

بررسی جایگاه حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی با تأکید بر حقوق سیاسی زنان

آرزو حسینی^۱، دکتر علی حاجی پور کند رود^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، ایران

۲. استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ایران

چکیده

امروزه جایگاه زنان به عنوان جایگاهی مشخص در سطح بین الملل شناخته می شود دربارهی آن قوانین بسیاری از جانب کشورها و سازمان های بین المللی حامی حقوق زنان وضع شده است. با توجه به این مسئله توجه به جایگاه زنان در تمام کشورها از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در باب کشور ما نیز از قاعده مستثنا نیست. در کشور ما حقوق شهروندی برای زنان شناخته شده بود اما تعریف دقیقی از آن در دست نبود تا اینکه انتشار منشور حقوق شهروندی تعریفی کامل و دقیق را از آن به دست داد. برای فهم جایگاه زنان در جامعه لازم به نظر می آید تا جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی مورد کنکا و قرار بگیرد تا بتوان تعریفی درست و معقول از آن را به دست آورد و جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی را مشخص کرد. هدف از این تحقیق نشان دادن اهمیت حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی و به دنبال تبیین جایگاه زنان در منشور با توجه به میزان شناسایی حقوق آنها در منشور حقوق شهروندی می باشد. در نتیجه ای اجمالی می توان گفت جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی جایگاهی مشخص و رفیع است که با توجه به شناسایی حقوق آنها در منشور حقوق شهروندی مشخص می شود. روش تحقیق در تحقیق کنونی کتابخانه ای بوده و به صورت توصیفی - تحلیلی انجام می گیرد.

واژه های کلیدی: جایگاه زنان، منشور حقوق شهروندی، شهروند، حقوق برابر، جایگاه اجتماعی

مقدمه

زنان به عنوان بخشی از جامعه‌ی انسانی و به عنوان تامین‌کننده‌ی بخش اعظمی از نیروی کار نقش مهمی را در اجتماع بشر ایفا می‌کنند. به طور کل تمیز بین زن و مرد از لحاظ برخورداری از حقوق انسانی کاری ناشایست و رفتاری کاملاً نابخشودنی از جانب جامعه‌ی ملل می‌باشد. با توجه به این مسائل باید اذعان داشت که در جوامع مختلف تبعیض‌ها و خشونت‌های بسیاری علیه زنان اعمال شده است و نمی‌توان منکر این موضوع شد. از این رو جوامع حقوق بشری بر آن شده‌اند تا قوانینی را به منظور حفظ حقوق شهروندی زنان پایه‌گذاری نمایند تا بتوانند از طرق آن حقوق زنان در جامعه را حفظ کنند. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در قانون اساسی ما به خصوص حقوق زنان بسیار مورد توجه قانون‌گذار بوده و با توجه به اسلامی بودن کشورمان حقوق زنان جایگاه ویژه‌ای در قوانین ما داشته است. اما چیزی که مهم است توصیف حقوق و جایگاه زنان در حقوق شهروندی است که به عنوان یک شهروند حقوق آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. در ایران حقوق شهروندی آنطور که باید تعریف نشده بود تا اینکه بعد از انتشار منشور حقوق شهروندی از جانب رئیس جمهور وقت کشورمان این امر با رسمیت بیشتری ادامه یافت. چیزی که در نظر ما مهم می‌آید جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی است و اینکه چه میزان به برابری حقوق زنان و میزان مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی آن‌ها به عنوان یک شهروند نگریسته شده است. با توجه به اینکه در منشور حقوق شهروندی مواد بسیاری به جایگاه زنان پرداخته و به طور کامل نقش آن‌ها در امور سیاسی و اجتماعی را تبیین می‌کند باید دید به چه شکل این مسئله قابل بررسی و ارزش‌گذاری است. زن به عنوان یک شهروند جایگاه اجتماعی تعریف شده ای دارد و منشور حقوق شهروندی نیز خواسته است تا این جایگاه را بر اساس تعریف‌های موجود تبیین نماید که این خود نشانگر این است، منشور حقوق شهروندی براساس داشته‌های ما از قبل دست به جمع‌آوری مباحث مربوطه نموده تا نمود و شکل کامل‌تری به ما بدهد و جایگاه شهروند زن را بهتر به ما نشان دهد و برای آن خط و مشی‌هایی که لازم به نظر می‌رسد تعیین نماید. انتشار منشور حقوق شهروندی به وسیله‌ی دولت و تصویب آیین‌نامه و بعدها قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و همچنین صدور فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی و رهبری فعلی نظام تماماً تلاشی برای اجرایی کردن اصول و ارزش‌های قانون اساسی بوده‌اند. لذا محقق در پی تبیین جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی بوده و بنا دارد تا با بیان نظریه‌ها و دیدگاه این مسئله را روشن تر و به دور از ابهام بیان نماید.

مفهوم شناسی

مفهوم شهروندی در حقوق ایران

اصطلاح «شهروند» در متن بسیاری از مقررات به کار رفته است. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۵/۰۲/۸۳ مجلس شورای اسلامی، که در مقام صیانت حقوق قضایی

شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر می‌رسد که «شهروند» در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه‌ی افراد را صرف نظر از تابعیت و اقامت، دربرمی‌گیرد. درحالی که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۲۱/۰۲/۸۳ در تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱ که، اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده‌ی ۷ آن، که عبارت «نیازهای شهروندان» به کار رفته است، به نظر می‌رسد که منظور از شهروند فقط «تبعه» است.

همچنین در آیین‌نامه‌ی تعزیرات حکومتی در شهرداری‌های کشور در خصوص شهروندان و کارکنان، مصوب ۲۵/۰۳/۱۳۷۶ و در قانون معاهده‌ی اساس روابط متقابل اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۳۸۰/۰۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی، در ماده‌ی ۸ آن در خصوص تسهیلات برای «روادید برای شهروندان طرف دیگر» نیز منظور از شهروند، تبعه است. بنابراین می‌توان گفت که در نحوه‌ی استفاده از این اصطلاح در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و سایر مقررات در هر دو معنا به کار گرفته شده است، اما به لحاظ محتوایی، چنان که در قسمت دوم ذکر می‌شود، در حقوق ایران در بهره‌مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیر اتباع، حسب مورد، تفاوت‌های جزئی یا کلی وجود دارد. (پروین، ۱۳۸۷: ۷۲)

از لحاظ منطقی و تجربی بدیهی می‌نماید که به همان میزانی که فردگرایی افراطی، جوهر شهروندی را تضعیف و بلکه نابود می‌کند، جمع‌گرایی یا دولت محوری افراطی نیز باعث تحلیل شهروندی و بالطبع پیوندهای اجتماعی می‌شود. گویا از این حیث است که روسو بر این گمان است «باید به کمک اقتدار قانون برابری را حفظ کرده. (شومین و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۴۰) اگر مهمترین کارکرد شهروندی این باشد که برخورداری از منافع عضویت بالستویه و برابر در اجتماع را در پی دارد، و به آنها این زمینه را می‌دهد که منافعشان را توسعه دهند و نیروهای بالقوه‌شان را بدون دخالت دیگران یا به طور کلی جامعه تحقق بخشند، باید بر این نکته نیز صحنه گذاشت که برای این جهت‌گیری مثبت، حد یقینی نیز باید قائل شد و آن عبارت از حقوق سایر شهروندان در زمینه (context) جامعه‌ای است که در آن امکانات آشکار و پنهان برابری برای شهروند فراهم آمده است لذا از این رهگن شئون انسانی شهروندان وفق معیارهای بنیادین و ملاحظات اساسی ملهم از مطالبات و ارزش‌های مشترک، بر چارچوب نظم عمومی، سیاسی و حقوقی تأثیر گذاشته و تأثی هم می‌پذیرد. (S. Clark, 2000: 185)

منشور حقوق شهروندی

منشور سندی توصیه‌ای است که ضمانت اجرای کافی ندارد؛ اما با توجه به این که شالوده اصلی قانون اساسی مربوط به سال ۵۸ و اصلاحات آن در سال ۹۸ هست؛ تحولات جدید تنوریک و نظری در زمینه‌ی عدالت، آزادی و یا مباحثی از این دست که در آن نیامده است می‌تواند در قالب منشور پیش‌بینی شود؛ با

این وجود ممکن است برخی از بندهای منشور حقوق شهروندی مشابه قانون اساسی باشد از طرفی منشور از جنس حقوق مدنی و حقوق نرم است که باید ضمانت اجرای آن، وجدان‌های آگاه و اجر نظارت مستمر مردم و تشکل‌های مردم نهاد باشد. گاهی قوانین و مقررات قادر نیستند همه آنچه را که مورد نیاز جامعه است پیش‌بینی نمایند در نتیجه وظیفه منشور پر کردن این خلأهاست. منشورها می‌توانند مبانی و خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را روشن کنند. در واقع به مثابه «هنجارهایی» در هستند که مسیر درست را نشان می‌دهند. در منشور قاعده حقوقی وضع نمی‌شود بلکه این اسناد تنها معیار ارزیابی سایر قوانین و نحوه اجرای آنان از طرف دولت‌ها می‌باشند. فلذا «حقوق شهروندی» آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت شهروندان در قبال حکومت و یکدیگر است که مسئله‌ای پذیرفته شده در گفتمان فقهی - حقوقی ما که با بحث کرامت انسانی گره خورده است، تلقی می‌گردد،

کی چرا که این اصل مهم انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می‌دارد. منشور حقوق شهروندی آغاز رسمی نهضت شهروندسازی در ایران به شمار می‌رود؛ دولت، به این ترتیب، خود را در معرض نقد قرار می‌دهد و مردم به شهروندان حق طلب و پرسشگر تبدیل می‌شوند.

حقوق زنان

تاریخ، تاریخ صدمات و مالکیت‌های مکرر مردان نسبت به زنان می‌باشد؛ در حالی که زنان، و دختران حداقل نیمی از جمعیت دنیا را به خود اختصاص می‌دهند، اما این برابری عددی در مورد وضع حقوقی آنان مقابل مردان صادق نیست. چرا که در سراسر جهان، زنان همواره به صورت مستقیم و غیرمستقیم با اشکال مختلف نابرابری و تبعیض رو به رو می‌شوند. «حقوق زنان» اصطلاحی خارج شده از «حقوق بشر» است؛ چرا که پس از جهانی شدن مفاد و محتوای حقوق بشر در ادوار مختلف و با تغییرات گوناگون؛ زنان با این معضل مواجه شدند که در تعمیم موضوعات حقوق بشر؛ موضوعات مربوط به آنان کم‌رنگ شده و اغلب با بی‌توجهی و کم‌توجهی نسبت به حقوقشان، در حال فراموشی است. لذا نمایندگان زنان در دول متمدن گوناگون دست به اعتراضاتی زدند که منجر به مقبولیت و صدور قوانین متعدد در احترام و اجرای قوانین ابتدایی و در ادامه آن برابری در تمام ابعاد ممکن با مردان شد. و مبحث حقوق زنان دارای ابعاد گوناگونی است؛ با توجه به ریشه اصلی تمام این قوانین که در حقوق بشر جای دارد؛ می‌توان به دو بخش «حقوق عمومی زنان» و «حقوق خصوصی زنان» اشاره کرد. منظور از «حقوق عمومی زنان» موضوعات و حقوقی است که برای تمام انسان‌ها بدون توجه به جنسیتشان برابر بوده و در قوانین - نوعه اساسی - کشورها بدان اشاره شده و سعی بر بیان یکسان بودن دید قانون بدون توجه به جنسیت اشخاص داشته است. از مهم‌ترین حقوق و عمومی زنان می‌توان به حق رأی، حق کار و دستمزد برابر، حق مالکیت، حق تسهیل، حق مشارکت در قراردادهای قانونی و به طور کلی حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی اشاره کرد از طرف دیگر «حقوق خصوصی زنان» پیرامون حقوق خاص ایشان است که از جنسیت آنان نشأت گرفته

است؛ و غالباً در قوانین عادی یافت شده و در نظریه دکترین تفسیر گردیده است. همچنین از جمله مهمترین حقوق خصوصی زنان «می‌توان از حق سرپرستی، حق اختیاری بودن ازدواج، حق ارث مساوی، حق حضانت کودکان و مواردی که در ادامه بیان می‌شود، نام برد. تقسیم بندی دیگری که پیرامون حقوق زنان می‌توان ارائه داد؛ تقسیمات موجود در «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» مصوب شورای عالی فرهنگی، است که در مقام بیان حقوق و مسئولیت زنان در بند ۸ تعریف کرده است: (در ساختار منشور، حقوق و مسئولیت زنان با استقراء به صورت ذیل تقسیم شده است: (حقوق فردی، حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی) که حقوق اجتماعی برحسب موضوع به حق سلامت، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق قضایی دسته بندی شده است).

رفع تبعیض علیه زنان در منشور حقوق شهروندی

آنچه در قرآن کریم درباره به حقوق زن و مرد بیان شده است از حقیقت انسانی این دو موجود، فارغ از جنسیت آنان، حکایت دارد و هر کدام از آن دو با توجه به جنسیت خود از حقوق متناسبی برخوردارند که این امر اصل تعادل را در عالم آفرینش تبیین می‌نماید. با تحلیل و تبیین جایگاه قوامیت می‌توان دریافت که مردان مدیریت مسئولیت‌های اجرایی و اقتصادی کانون خانواده را بر عهده دارند و زنان مسئولیت تدبیر، تربیت و سیاست‌گذاری این کانون را؛ چرا که این تعادل حاکی از هم‌سویی طبیعت و شریعت الهی است. یکی از مباحث اساسی مورد توجه متفکران و اندیشمندان در جوامع امروز موضوع «حقوق و شخصیت زن» است. زنان در بسیاری از جوامع بشری همواره از شأن و حقوق خود دور مانده‌اند و حتی منزلت انسانی آنها مورد تردید قرار گرفته است. جایگاه و شخصیت زن در فرهنگ هر جامعه، نشان‌دهنده میزان اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه است.

مکاتب دینی و سیاسی در زمینه حقوق زن، نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند که در این میان، مکتب آنان ساز، وحیانی و جامع نگر اسلام با نگرشی فراگیر و با در نظر گرفتن همه ویژگی‌های زنان، منزلت و کرامت والایی را برای آنان به ارمغان آورده است. به طور مسلم، از نظر تکوینی تفاوت‌های حکیمانه‌ای میان زن و مرد وجود دارد، اما در عین حال، اسلام بین حقوق و تکالیف زن و مرد نوعی تعادل برقرار نموده است. مخاطب اصلی آیات‌الاهی و شریعت مقدس، همان «حقیقت آدمی» و «انسانیت انسان» است و جنسیت او جایگاه اساسی و اصلی ندارد. این مسأله اگرچه برای رسیدن به هدف، گاه به صورت تبعی مورد توجه قرار گرفته است، هیچ‌گاه تفاوت‌های حقوقی و حکمی بر وجود تفاوت در هویت انسانی «جنس زن» و «جنس مرد» دلالت نمی‌کند. (شریفی، ۱۳۹۶: ۱۳۹)

بند ۲۱ اصل ۱۲ قانون اساسی نیز بر حمایت از مادران، به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند، تأکید دارد و مجموعه‌ی مقرراتی که در قوانین استخدامی، مثل قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره‌ی افزایش حق حضانت فرزند توسط مادر از ۲ سالگی به ۷ سالگی و سایر

مقررات وضع شده، همسو بدن جهت گیری قانون گذار را با سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حمایت مادی و معنوی از مادران نشان می دهد. البته در مورد اجرای بند ۳ اصل ۱۲ قانون اساسی، تکلیف دولت در ایجاد بیمه ی خاص بیوه ها و زنان سالخورده و بی سرپرست به نظر می رسد که گام اساسی برداشته نشده است. از طرف دیگر با توجه به این که، در مجموع، بیگانگان مقیم ایران از حمایت های اجتماعی کمتری نسبت به ایرانیان برخوردارند، این محرومیت ها شامل مادران غیرایرانی ساکن ایران نیز می شود.

جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی

همانگونه که اشاره شد، از میان ۱۲۰ ماده ی منشور حقوق شهروندی ۷ ماده ی آن - با ذکر لفظ «زنان» - به طور ویژه به حقوق زنان اختصاص دارد، و مابقی آنها از موضوعاتی است که شامل تمام شهروندان شده و یا بعضا مواردی را متذکر شده است که از مباحث حقوقی حقوق عمومی» در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، قضایی و... است. بیان برخی از حقوقی که برای زنان در نظر گرفته شده و جایگاه آنان برابر حقوق آن ها مورد بررسی قرار می گیرد.

حقوق بهداشت زنان در منشور حقوق شهروندی

می توان گفت از اولین حقوقی که یک انسان می تواند برخوردار باشد «حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی» است که سرفصل اول منشور نیز است. گردآوردندگان این منشور البته ترتیب حقوق زنان در فصل «حقوق ملت» در قانون اساسی را رعایت نکرده و در اقدامی قابل توجه از حق بهداشت و سلامت زنان که در اصل ۲۱ ذکر شده است، شروع کرده اند. پیرامون حق بهداشت و درمان به صورت اختصاصی برای زنان بعد از ذکر شمول حق حیات برای تمام شهروندان، در ماده ۳ ذکر شده است: «حق زنان است که برنامه ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.» اما درباره نقش مهم زنان در امر تولد فرزندان، گردآوردندگان منشور به یک ماده بسنده نکرده و در ماده ۹۰ بخش «حق رفاه و تأمین اجتماعی» به صورت اختصاصی برای زنان بیان نموده اند:

حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری های شایع زنان بهره مند شوند. « پس از اشاره به مواد مصرح در منشور، نکاتی پیرامون مندرجات مواد در ادامه داریم که به چند مورد آن بسنده می کنیم.

طبق موضوع این ماده که پس از دارا بودن حق حیات برای تمام شهروندان ذکر شده است؛ بعد «حقوق خصوصی زنان» را متذکر می شود. از این نظر می توان چنین برداشت کرد که جنسیت خاص زنان برای طراحان منشور مورد توجه بوده است؛ چراکه شهروندان در انسان بودن و اشتراک در حق حیات برابری

دارند. طبق اصل ۲۱ قانون اساسی که صراحت دولت را موظف به رعایت و تضمین «حقوق زن در تمام جهات» می‌داند؛ در بند دوم نیز متذکر می‌گردد که: «حمایت مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند» نیز از حقوق ایشان است؛ موضوعی که به صورت جزئی تر در ماده ۳ منشور حقوق شهروندی بیان شده است. لازم به یادآوری است که حقوق ملت مندرج در قانون اساسی تحت عنوان «حق تأمین اجتماعی» در اصل ۲۹ ذکر شده است.

طبق بند ۱ بخش اول از «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» مصوب (۱۳۸۳ / ۱ / ۳۱) زنان (حق برخورداری از حیات شایسته و تمامیت جسمانی و مسئولیت محافظت از آن در مقابل هرگونه بیماری، حادثه و یا تعدی» را برخورداری دارند. همچنین در بند ۱۰ فصل اول از بخش دوم این منشور آمده است: «حق برخورداری دختران از... تسهیلات بهداشتی جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی آنان؛ بند ۳۳: حق باروری، بارداری، تنظیم و کنترل آن و بهره‌مندی از آموزش‌ها و امکانات مناسب در این زمینه؛ بند ۳۶: حق برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی در ایام بارداری و شیردهی» و همچنین بند ۵۰ و ۵۵ ذیل فصل اول از بخش سوم که بیان می‌دارد: «۵۰ حق بهره‌مندی از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب جهت پیشگیری از بیماری و درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی زنان؛ ۵۱ حق برخورداری از بهداشت باروری و بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان با استفاده از زنان متخصص و پیشگیری و درمان بیماری‌های شایع زنان، بیماری‌های مقاربتی و نازایی آنان.» در ذیل ماده ۳ بخش «ارجاعات قانونی مواد منشور حقوق شهروندی»، از اصل دهم قانون اساسی نیز نام برده شده که در این اصل آمده است: «از آنجاکه خانواده، واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد).

«کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» مصوب ۱۹۷۹ نیز در این موضوع موادی را بیان کرده است، من جمله بند «ح» ماده ۱۰ پیرامون دسترسی به آموزش‌های خاص تربیتی پیرامون سلامتی زنان؛ و بندهای ۱۱ و ۱۲ بخش اول ماده ۱۱ و بخش دوم ماده مذکور به صورت کلی، در خصوص اقدامات مناسب در جهت بارداری زنان نکاتی را متذکر شده است: «الف: ممنوعیت اخراج به خاطر حاملگی یا مرخصی زایمان و. ب: دادن مرخصی دوران زایمان با پرداخت حقوق... ج: تشویق و حمایت لازم برای ارائه خدمات اجتماعی به نحوی که والدین را قادر سازد تا تعهدات خانوادگی را با مسئولیت‌های شغلی هماهنگ سازند و... د: حمایت ویژه از زنان در دوران بارداری در مشاغل که ثابت شده برای آنها زیان‌آور است. از طرفی ماده ۱۲ این کنوانسیون بیان می‌کند: «۱. دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای محو تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی به عمل آورند و بر اساس تساوی بین زن و مرد دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدمات بهداشتی مربوط به تنظیم خانواده را تضمین نمایند.» همچنین بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان» مورخه ۱۳۸۷ / ۸ / ۸؛ که در مورد ابعاد

گونگون سلامت و بهداشت زنان بیان شده است نکاتی در خور توجه قرار دارد. ماده یک این مصوبه به تعریف «حق سلامت» پرداخته است: «حق سلامت زنان به معنای برخورداری از سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با توجه به ویژگی‌های آنان در مراحل مختلف زندگی بوده و از جمله حقوق طبیعی و همگانی محسوب می‌شود و مسئولیت تأمین آن بر عهده دولت‌ها می‌باشد.» در بخش دیگر نیز نکات قابل توجهی در خصوص حق بهداشت زنان بیان می‌نماید، به عنوان نمونه در بندهای یک و دو، ماده ۲ آمده است: «۱. ارتقاء و توسعه سلامت زنان در ابعاد جسمی، روانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی در دوره‌های مختلف زندگی و پیشگیری از بیماری‌ها و کاهش عوامل خطر سلامت زنان؛ ۲. تقویت سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به سمت سلامت زنان و نیازهای بهداشتی - درمانی آنان؛ همچنین طبق مفاد اجرائیه مندرج در ذیل ماده ۹۰، به بند ۱۲ همین قانون اشاره شده است: «تقویت برنامه‌های و خدمات و توسعه آگاهی دختران و زنان در خصوص پیشگیری از بیماری‌های خاص و شایع زنان، تشخیص زودرس آن، بهبود فرهنگ تغذیه...» در آیه ۲۲۸ سوره بقره چند موضوع بیان شده است، من جمله حفظ بهداشت زنان: «زنان طلاق داده شده باید به سر آمدن سه پاکی [از حیض را انتظار برند او پیش از به سر رسیدن آن، از شوهر کردن خودداری ورزند؛ و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند] به خاطر رعایت شرایط ایام عده نباید آنچه را خدا در رحم‌هایشان [از حیض یا جنین] آفریده، پنهان دارند.»

جایگاه برابر در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی

آنطور که مشخص است فصل دوم منشور حقوق شهروندی به «حق کرامت و برابری انسانی» نامگذاری شده است؛ پس از بیان برابری در کرامت انسانی در میان شهروندان، منع اعمال تبعیض در مورد شهروندان، منع تعرض نسبت به حیثیت و اعتبار ایشان در قالب «حقوق عمومی زنان» از حق برابری زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی نام می‌برد، چندان که در ماده ۱۱ آمده: «زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند. از طرفی با دقت در متن منشور به مواد دیگری برمی‌خوریم که صراحت و یا به طور ضمنی برای زنان حق شرکت در اجتماع به طور عام و به هر روش قانونی را بیان کرده‌اند؛ من جمله: «ماده ۴۳. شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود؛ ماده ۹۵. برخورداری از آثار و فواید توسعه فرهنگی و پیشرفت‌های علمی، مشارکت در حیات متوازن از جنبه‌های مختلف فرهنگ، حق شهروندان است؛ ماده ۹۹. شهروندان حق دارند از امکانات لازم برای مشارکت در حیات فرهنگی خود و همراهی با دیگر شهروندان از جمله در تأسیس تشکلات،

انجمن‌ها، برپایی آیین‌های دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی با رعایت قوانین برخوردار باشند؛ ماده ۱۰۳ حق همه شهروندان به ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکله‌ها و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.» در خصوص مواد مذکور می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد. برابری، یکی از پایه‌های آزادی است و آن شامل دو چیز است: اول برابری در حیثیت و کرامت انسانی از حیث انسان بودن و دوم برابری در حقوق یعنی در تمتع و برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی - به عنوان یک شهروند. (مؤتمنی، ۱۳۹۵: ۲۰۱) در قانون اساسی در خصوص برابری تمام مردم در مقایسه یکدیگر، اصول متعددی بیان شده است که می‌توان به ترتیب درج در قانون چنین بیان کرد. بندهای ۹۱۸ و ۱۶ اصل سوم که گفته شده است: «۸ مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛ ۹ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی».

در بخش دوم بند ۴ بیان شده است: «در اندیشه اسلامی، زنان و مردان در حقوق انسانی خویش عموم مشترک می‌باشند، ولی از آنجا که در مراحل اقدام و اجرا ممکن است تبعیض‌هایی صورت گیرد، جهت تأکید این دسته از حقوق نیز با عنوان حقوق زنان ذکر شده است.» از طرفی در بخش «اصول و مبانی» این منشور مفصلاً به دلیل اهمیت موضوع آمده است: «مبنای اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادین استوار است که در اسلام، زن و مرد در فطرت و سرشت، هدف خلقت، برخورداری از استعدادها و امکانات، امکان کسب ارزش‌ها، پیشتازی در ارزش‌ها و پاداش و جزای اعمال فارغ از جنسیت، در برابر خداوند یکسان می‌باشند و فقط به واسطه رشد همه جانبه انسانی در سایه دانش و علم، تقوی الهی و ایجاد جامعه‌هایی شایسته بر یکدیگر مزیت دارند. از سوی دیگر زن و مرد از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که این تفاوت‌ها مبتنی بر حکمت الهی و به عنوان راز تداوم حیات بشر، کلیت منسجمی را تشکیل می‌دهد تا در نهایت، رابطه متقابل ناشی از تناسب فکری و عاطفی میان آن دو، حیات معقول و والای انسانی امکان و تداوم یابد. لذا این تفاوت‌های طبیعی منشأ تفاوت‌های حقوقی می‌شود که مبتنی بر عدالت خداوند متعال است، لذا منجر به کم‌شدن ارزش زن یا تبعیض ظالمانه بین زن و مرد نمی‌گردد.» اما این منشور به این موارد بسنده نکرده و در بندهای متعدد دیگر نیز این موضوع را متذکر شده است. به عنوان مثال: «بند ۴۹: حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان، به ویژه در خصوص زنان؛ بند ۱۴: حق شرکت در اجتماعات عبادی، فرهنگی سیاسی؛ بند ۷۰: حق مشارکت در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به ویژه در خصوص مسائل زنان؛ و یا بند ۱۱۹: حق مشارکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف، مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین.» با این وجود پیرامون موضوع مورد بحث شاهد ذکر تنها چند بند از این منشور در بخش ارجاعات قانونی هستیم؛ آن هم چند بندی که ارتباط اندکی با موضوع بحث نداشته و ندارند. راهکار ایجاد عدالت اجتماعی و آزادی در

جامعه، رعایت مساوات بین افراد خواهد بود. قانون اساسی با قائل شدن منزلت و حقوق برابر برای تمام افراد ملت اشاره به تساوی عموم در برابر قانون دارد و این بدان معناست که باید تبعیضات ناروا در تمام شئون انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از میان برداشته شود. تبعیض بدان معناست که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان، بین افراد فرق گذاشته شود که شاید بتوان گفت یکی از مهمترین و ارزش‌ترین مؤلفه‌های قرن معاصر، دفاع از «حریم انسانیت» و «تکریم حقوق بشر» است؛ از طرفی جای بسی خرسندی است که می‌توان ادعا نمود در این زمینه کشورمان نه تنها عقب نمانده، بلکه در خیلی از موارد در میان کشورهای مسلمان، سردمدار حفظ حقوق آدمی است. انسانیت آدمی، در هر دو جنس زن و مرد برابری دارد؛ اما باید صادقانه اذعان کرد که زنان به عنوان بخش آسیب‌پذیر، تقریباً در تمامی جوامع طول تاریخ مورد بی‌عدالتی‌های مختلف قرار گرفته‌اند و بی‌گمان در فضایی که دفاع از انسان‌ها، کرامت و حقوق آنان امری مهم تلقی می‌گردد، باید به حقوق زنان توجه بیشتری داشت. واقعیت آن است که تغییر و تحول در عرصه حقوق زنان به واسطه حساسیت‌ها و چالش‌های پیش رو، همواره با صعوبت خاصی مواجه بوده است؛ چراکه از طرفی مستلزم شناخت حقوق اساسی زنان در جهت رسیدن به شأن و منزلت ایشان در سطح کشور است و همچنین نیازمند نگاهی همسو در ضرورت پرداختن به مسائل زنان و به تبع آن تغییرات مقتضی در این خصوص می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با نظر فقیهان و حقوق دانان مطرح دوران خویش بر جایگاه و منزلت زنان تأکید ورزیده به طور کلی طی چند اصل و بند سعی بر بیان ابعاد گوناگون حقوق زنان در جامعه اسلامی - ایرانی داشته است؛ اما به دلیل دید کل نگرانه و ادبیات خاص قانون اساسی، در بیان جزئیات، حالات، روش‌ها و رویه‌های حقوقی و گاهی قضایی به قوانین عادی ارجاع داده شده است. قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی نیز به دلیل تبع قانون‌گذار و گذشت این برخلاف عدالت است. در حالی که فرق گذاشتن بین افرادی که در شرایط و یا طبیعت مختلفی هستند، عین عدالت است. [مطهری، ۱۳۹۳: ۱۱۶] در قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای موازین رایج فقهی و شرعی در برخی موارد محدود، مثل میزان حق الارث زن و یا ممنوعیت از اشتغال به شغل قضاوت و نصف بودن دیه قتل زن نسبت به مرد، تفاوت‌هایی وجود دارد که بعضی از آنها ممکن است با توجه به نظام خاص اجتماعی و ملاحظات و امتیازاتی که از جهات دیگر به زن داده شده، قابل توجیه و درک باشد و برخی از آنها هم نیازمند بررسی عمیق مبانی شرعی آن می‌باشد. [حقوق بشر، مهر پور، ۱۳۹۵: ۱۵۳]

مواد یک و دو اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند یک ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۲ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بند الف ماده یک اعلامیه اسلامی حقوق بشر؛ بند الف ماده ۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان اشارات صریح به برابری حقوق زن و مرد دارند. در پایان لازم به ذکر است که بر اساس ماده ۱۱ بخش «ارجاعات قانونی مواد منشور حقوق شهروندی» که به متن «سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان» ارجاع داده شده است؛ پس از مطالعه آن در ظاهر امر مطالبی پیرامون اصل ماده ۱۱ منشور یافت نشد؛ و به نظر می‌رسد گردآوردگان منشور در این مورد دچار

سهو قلم شده‌اند؛ چراکه به گمانشان چون موضوع زنان است، ذکر این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز احساس می‌شد که البته نگارنده به چنین نتیجه‌ای نرسیده است.

امکانات رفاهی برابر برای زنان

در فصل «حق رفاه و تأمین اجتماعی» نوآوری در ادبیات قانونی صورت گرفته است که علاوه بر توجه به اهمیت، ارزش و جایگاه «ورزش» در نیل به اهداف متعالی زندگی انسان‌ها؛ به «حق ورزش و تفریحات سالم زنان» توجه و اشاره شده و این چنین ذکر گردیده است: «حق همه شهروندان به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.» در ادامه به نکاتی که در خصوص ورزش و سلامتی زنان می‌توان اشاره کرد، می‌پردازیم.

طبق صراحت بند ۳ اصل سوم قانون اساسی «دولت موظف به فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح» است؛ فلذا طبق قید «برای همه» می‌توان به منظور قانون‌گذار پی برد؛ از طرفی مقنن به این قید اکتفا نکرده و در بند اول اصل ۲۱ نیز شخصیت زن را موردنظر قرار داده و دولت را مجدداً موظف به رسیدگی و ایجاد زمینه‌های مختلف رشد شخصیت زنان دانسته است: «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او» همچنین در منشور حقوق و مسئولیت زنان در دو بند متوالی پیرامون توجه به «حقوق ورزش زنان» آمده است: «۱۳. حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم، ۵۴. حق پرورش و شکوفایی استعدادهای ورزشی و حضور در میدانی ورزشی در سطح ملی و بین المللی متناسب با موازین اسلامی» مصوبه «سیاست‌ها و اولویت‌های فرهنگی سازمان تربیت بدنی» شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخ ۱۳۸۶ / ۶ / ۲۱ دارای ۱۳ بند است؛ که در این میان بند ۵ آن در خصوص «ورزش بانوان» می‌باشد و دولت را موظف می‌کند که: «ورزش‌های بانوان به ویژه در سطوح پایه و همگانی در راستای ارزش‌های اسلامی و فرهنگی و با توجه به میزان جمعیت زنان کشور تقویت شده و ضمن محرومیت‌زدایی به گونه‌ای مضاعف توسعه یابد.» در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان» در سال ۱۳۸۹ ذیل بند ۱۱ در خصوص توسعه ورزش میان زنان و دختران آمده است: «توسعه فرهنگ ورزش در بین دختران و زنان، رفع موانع موجود و دسترسی آنان به امکانات موردنیاز و بهینه‌سازی اوقات فراغت آنان توسط سازمان تربیت بدنی و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» از طرفی در مصوبه دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی بانام «سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی» مصوبه ۱۳۸۶ / ۷ / ۲۶ ذیل بند دوم از فصل ششم «سیاست‌های مربوط به امور خدماتی و رفاهی» آمده است: «توجه به تأمین و غنی سازی اوقات فراغت

دانشجویان دختر و توسعه امکانات ورزشی به عنوان عامل مهم در سلامت، افزایش بهداشت روانی و روحیه نشاط و مصونیت در برابر آسیب های اجتماعی»

تساوی در حق اشتغال برای زنان

در اولین ماده از فصل «حق اشتغال و کار شایسته منشور، شاهد ذکر نکاتی در خصوص برابری بدون تبعیض و جنسیتی شهروندان در انتخاب شغل و عدم امکان سلب آن از طرف هر شخص حقیقی یا حقوقی هستیم. در ماده ی بعدی این فصل نیز طراحان مجدداً حق «فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزاد» متذکر می شوند؛ این مواد ادامه دارند تا در ماده ۸۳ به صورت ویژه خطاب به زنان بیان می شود که: «حق زنان است که از فرصت های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند. این ماده از موضوعات بسیار چالشی در موضوع «حقوق زنان» می باشد که از دیرباز پیرامون آن بحث شده است؛ فلذا در این فرصت نیز در حد امکان پیرامون آن به بحث می پردازیم. با اعتقاد به «الحیاء العلم، بالنقد و الرد» مجدداً بیان می کنیم که قرار نیست هر جا از «زنان» و «حقوق زنان» در منشور نام برده شد، چند اصل مشخص قانون اساسی را کراراً بیان کرده و همان ها را «ارجاعات قانونی مواد منشور» تلقی نماییم. درست است که در قانون اساسی از حقوق زنان کم نام برده شده است؛ ولی اینکه برای هر موضوع در منشور، به همان چند اصل قانون اساسی اشاره نماییم کاری عبث تلقی می گردد. این انتقاد برای تکرار مفادی است که پیش از این در ذیل حقوق دیگر زنان بیان شده است؛ و طراحان تنها با اضافه کردن اصل ۲۸، ارجاع قانونی ماده ۸۳ را همان ارجاعات قانونی ماده یازده بیان نموده اند که این مورد چون زیننده تقنین نیست، بهتر است اصلاح گردد؛ چراکه مثلاً هیچ تناسب روشن موضوعی میان بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی و حق برابری در اشتغال با وجود اصل ۲۸ احساس نمی شود. اصل ۲۸ اینگونه تنظیم شده است که: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون مالی و حقوق برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» طبق بخش ابتدایی بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی که کار را برای همه می داند، آمده است: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند...» و از طرفی در بند چهارم همین اصل آمده است: «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.» در مجموع می توان این برداشت را کرد که در اصول بیان شده مندرج در قانون اساسی تفاوتی بین جنسیت اشخاص وجود نداشته و در تمام موارد مذکور از الفاظی چون «هر کس»، «همه افراد»، «برای همه»، «همه کسان» و «افراد» که افاده عام دارند، استفاده شده است. از طرفی باید خاطر نشان کرد که «اصل برابری حقوق زن و مرد در قانون اساسی هرچند در تشخیص مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد - مقید و مشروط به رعایت موازین اسلامی است؛ بنابراین، هر جا که احکام

اسلامی، تمایزات حقوقی خاصی را بین زنان و مردان قائل شده است؛ قوانین داخلی نمی‌توانند منصرف از آن تصویب و اجرا شوند. بر این اساس در حال حاضر برخی محدودیت‌های شغلی برای زنان - نظیر اشتغال در پاره‌ای مناصب قضایی و نظامی و همچنین محدودیت مربوط اشتغال به زنان شوهردار در مشاغل منافی حیثیت و مصالح خانوادگی - در قوانین عادی وجود دارد. (رفیعی، ۱۳۹۵: ۲۰۸) گرچه در ارجاعات قانونی تنها به دو بند ۱۰۱ و ۱۰۲ «منشور حقوق و مسئولیت زنان» اشاره شده است؛ اما گویا طراحان از دیگر مفاد این منشور چشم‌پوشی کرده‌اند، فلذا در این مجال به بررسی ابعاد دیگر موضوع گویا طراحان از دیگر مفاد این منشور چشم‌پوشی کرده‌اند، فلذا در این مجال به بررسی ابعاد دیگر موضوع کار زنان در منشور حقوق و مسئولیت زنان می‌پردازیم. فصل سوم منشور که پیرامون «حقوق و مسئولیت‌های اقتصادی زنان» می‌باشد؛ در ذیل بخش دوم تحت عنوان «حقوق و مسئولیت‌های اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان» در بندهای متعدد آمده است: «۱۰۱ حق اشتغال بعد از رسیدن به سن قانونی کار و آزادی انتخاب شغل و به کارگیری سرمایه‌های فردی و مسئولیت رعایت قوانین اسلامی در کسب در آمد و نحوه مصرف آن؛ ۱۰۲ حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب؛ ۱۰۳ حق برخورداری زنان از مشاوره شغلی و کاریابی توسط بانوان؛ ۱۰۶. حق برخورداری از مزد و مزایای برابر، در شرایط کار مساوی با مردان و سایر زنان) بر اساس مواد متعدد موجود در مصوبه «سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران» شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخ ۱۳۷۱ / ۵ / ۲۰ می‌توان به خوبی شرایط کار زنان را که به صورت کلی در قانون اساسی آمده است، مشاهده کرد: «ماده ۲. اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و اداری از جمله شرایط و لوازم تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه است و باید به آن وقع لازم گذاشته شود؛ ماده. شرایط و محیط کار اجتماعی بانوان باید به گونه‌ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان فراهم شود و به دیانت، شخصیت، منزلت و سلامتی فکری و روحی و جسمی آنان لطمه‌ای وارد نیاید؛ ماده ۹. در تعیین ارزش کار در شرایط مساوی، دست کم حق‌الزحمه و مزایای مساوی منظور شود.» در ماده ۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده است: «براساس بند چهارم اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم، اصل نوزدهم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کسی حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و پاکیزه‌های حیات حقیقیاً بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.» ماده ۱۱ «مقاله نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» به اصل عدم تبعیض شغلی علیه زنان توجه نموده و مفصلاً این موضوع را بیان می‌کند: «۱. دولت‌های عوض باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق یکسان خصوصاً در موارد زیر برای زنان رعایت می‌شود: الف: حق کار اشتغال به عنوان یک حق لاینفک

از حقوق انسانی ب. حق برخورداری از امکانات شغلی مساوی، از جمله اجرای ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل ج: حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل د: حق دریافت مزد مساوی، استفاده از مزایا و برخورداری از رفتار مساوی در مشاغل و کارهایی که ارزش یکسان دارند و نیز رفتار مساوی در ارزیابی کیفیت کار)

حق مصونیت از تعرض و خشونت

در بخش «حق تشکیل و برخورداری از خانواده»؛ به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان این منشور نوعی کج‌سلیقگی به خرج داده و ماده ۵۴ را به جای ذکر در بخش بعدی، یعنی حق برخورداری از دادخواهی عادلانه» و یا بخش «حق رفاه و تأمین اجتماعی»؛ در بخشی ذکر کرده‌اند که قرابت معنایی با صدر موضوع آن ندارد؛ از طرفی به خوبی می‌توان متوجه این نکته شد که نه تنها چنین وحدت موضوعی بین بخش و ماده بیان شده دیده نمی‌شود؛ بلکه بین مواد مصرح در این بخش نیز؛ تنها ماده‌ای که همخوانی ندارد، همین ماده ۵۴ مورد بحث می‌باشد. با این حال، نباید از این موضوع غافل شویم که بیان این ماده در اصل «منشور حقوق شهروندی» امری مهم و اساسی است، فلذا باید این ماده را یکی از نوآوری‌های مهم در امر قانون‌گذاری - هر چند در جایگاهی اشتباه - پیرامون حقوق زنان متذکر شویم. طبق صراحت و جامعیت این ماده که نه تنها «حقوق عمومی زنان» را مجدداً بیان کرده است، بلکه کودکان را نیز دارای چنین حقی دانسته و خاطر نشان می‌کند که: «حق همه شهروندان به ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت، امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند. لازم به ذکر است که پیرامون ماده مذکور می‌توان به مواد دیگری از قوانین موجود نیز اشاره کرد. تنها موردی که تحت عنوان اجرائیه ماده مورد بحث اشاره شده، پیرامون قانون «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» مصوب ۱۳۸۶ / ۶ / ۷ است. در این مصوبه ذیل هدف دوم یعنی «حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن» در بخش سیاست‌های اجرایی آمده است: «برخورد قاطعانه دستگاه انتظامی و قضایی با بزهکاران و عوامل اصلی جرم زنا به عنوان تهدیدکننده استحکام خانواده»؛ همچنین در هدف هفتم آمده است: «ارتقاء آگاهی اعضای خانواده نسبت به هنجارها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی به منظور برخورد صحیح با مشکلات و بحران‌های زندگی» همچنین در بخش راهبرد ذیل این هدف ذکر شده است: «حمایت از زنان و کودکان در برابر هرگونه تعرض نسبت به حقوق آنان توسط اعضای خانواده و ناهنجاری‌های رفتاری» و همچنین در آخرین بند این مصوبه طی مبحث سیاست اجرایی هدف هفتم آمده است: «مقابله با بزهکاران اجتماعی، باندهای فساد و فحشاء و معترضان به نوامیس مردم و مروجین فرهنگ ابتذال باهدف تأمین امنیت و حفظ کیان خانواده‌ها» چندان که اشاره شد؛ در مواد اجرائیه تنها به مصوبه

«اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره شده است، اما غفلت طراحان «منشور حقوق شهروندی» موجب عدم توجه به دیگر قوانین نیست. طبق اصل ۱۰ قانون اساسی که به نقش بنیادین و اساسی خانواده اشاره دارد آمده است: «از آنجا که خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» خالی از لطف نیست که در خصوص بند آخر این اصل به ماده ۱۱۰۳ قانونی مدنی اشاره نماییم که بیان کرده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. لازم به ذکر است ماده»

صرفاً یک توصیه اخلاقی نبوده و ضمانت اجرای این تکلیف آن است که اگر زن از انجام وظیفه حسن معاشرت، سر باز زند، «ناشزه» محسوب شده و حق نفقه او ساقط خواهد شد؛ در مقابل، عدم رعایت ماده فوق از سوی مرد، در صورتی که ادامه زندگی را متعسر کند، می‌تواند مبنای درخواست طلاق از سوی زن قرار گیرد. (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۹۲) همچنین می‌توان نظر مقنن قانون اساسی را در بند ۳ اصل ۲۲۱ با ماده ۵۶ منشور حقوق شهروندی مرتبط دانست؛ چراکه هر دو بر ایجاد نظامات حقوقی و قضایی برای احقاق حقوق پایمال شده زنان اصرار دارند. فارغ از مفاد اجرایی منشور، در تکلمه این ماده می‌توان به بندهای مختلف «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان» نیز اشاره کرد. در بند ۱۷ این منشور آمده است: «حق تأمین نیازهای عاطفی و روانی دختران و برخورداری از رفتار ملاطفت‌آمیز والدین و مصونیت آنان از خشونت‌های خانوادگی» که مربوط به اموردرونی خانواده است. ولی در بندهای ۱۱ و ۱۳۶ پیرامون منع تعرض نسبت به زنان در جامعه و حقوق ایشان آمده است: «۱۱. حق مصونیت از تعرض گفتاری و رفتاری؛ ۱۳۶. حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی و ضابطین دادگستری زن در صورت تعرض، بزه دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم.» از نکات قابل توجه تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پیش‌بینی وجود «ضابطان آموزش دیده زن» است که در ماده ۶۲ بیان شده: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.» لازم به ذکر است که بازجویی و تحقیقات از زنان توسط ضابطان آموزش دیده زن به منظور رعایت «جوانب شرعی» در تحقیقات و اعطای آزادی بیشتر به متهم در ارائه توضیحات می‌باشد. (خالقی، ۱۳۹۵: ۶۹) همچنین در مصوبه «سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان» مورخه ۱۳۸۹ / ۸ / ۸، ذیل بند ۲۳ آن صراحتاً آمده است: «اتخاذ تدابیر مناسب جهت پیشگیری و کاهش هرگونه ظلم و خشونت خانوادگی و اجتماعی در تهدید سلامت جسمانی و روانی زنان و حمایت از قربانیان خشونت توسط قوه قضائیه، نهادهای فرهنگی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» در خصوص این که منظور از «تعرض» و «خشونت» در ماده مورد بحث چیست؛ باید خاطر نشان کرد که تعرض» به معنای هرگونه رفتار غیراجتماعی نسبت به دیگری است که در موضوع بحث شامل هرگونه المس یا تجاوز نسبت به زنان می‌شود که معمولاً دارای تبعات جبران‌ناپذیر جسمی، روانی، عصبی و عاطفی است و بعضاً منجر به افسردگی در زنان و نفرت ایشان از

جنس مخالف می‌گردد. از طرف دیگر «خشونت» لفظی عام است که برای آن در خصوص موضوع مورد بحث انواع و شقوق مختلفی را ذکر کرده‌اند. در بین انواع مختلف که از حوصله بحث خارج است می‌توان به «خشونت جسمی» در محیط خانه و اجتماع اشاره کرد. این نوع خشونت که به انواع گوناگون کتک خوردن، شکنجه و یا قتل انجام می‌پذیرد، اغلب منجر به نتایج جسمی من جمله کبودی، بریدگی، شکستگی، جراحات داخلی، ضربه مغزی و گاهی سقط جنین و... می‌گردد. لازم به ذکر است به دلیل معلوم نبودن نظر طراحان منشور پیرامون اینکه کدام مورد از انواع «خشونت» و یا تعریف خاصی از «تعرض» مدنظرشان قرار دارد و یا به طور عام هرگونه ایجاد مزاحمت در ابعاد مختلف و حالات گوناگون را پیش‌بینی کرده‌اند؛ که البته این از اشکالات منشور محسوب می‌شود. مناسب بود در بخش مفاد اجرایی ماده ۵۶ منشور، به عنوان ضمانت اجرا به ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ارجاع می‌شد؛ در این ماده آمده است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت، به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در ضمن این ماده نظریه تفسیری از اداره حقوق قوه قضائیه واصل گردیده است که دامنه این جرم را بسیار وسیع دانسته است: «به کار بردن الفاظ رکیک جهت تحقق جرم موضوع ماده ۱۱۹ شرط نیست و چنانچه مسلم شود که مردی به قصد مزاحمت، زنی را تعقیب نموده است قابل مجازات می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از بحث اصلی حاصل می‌آید بیانگر این می‌باشد که شناخت حقوق و حقوق زن همان شناسایی جایگاه زن است و به هر میزان که حق و حقوقی برای زنان تعریف گردد یعنی به همان میزان نیز جایگاه و منزلت زن مورد توجه قرار گرفته است. منشور حقوق شهروندی با شناسایی حقوق زنان به طور وسیع نشان می‌دهد که جایگاه زن در متن خود منشور و جامعه جایگاهی رفیع و قابل احترام است که در نهایت برای آن خط و مشی بسیاری در نظر گرفته می‌شود. با توجه به مواد مختلفی که در متن منشور به حقوق زنان اختصاص داده شده می‌توان به خوبی جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی را تبیین کرد و بر این باور بود که جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به وسیله منشور تبیین و تشریح شده و در آن ابهام خاصی به چشم نمی‌خورد. منشور حقوق شهروندی زنان را به عنوان بخش اعظمی از جامعه که هم می‌توانند نقش نیروی کار قوی و خوب را ایفا کنند و هم می‌توانند در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی افتخاری برای مهین بپوشانند و خلاءهای کاری و اجتماعی جامعه پر کنند و همچنین این منشور با شناخت حقوق شهروندی برابر برای زنان جایگاه آنان را در اجتماع محکم‌تر نموده و منزلت واقعی آن را صریحا اذعان می‌دارد.

فهرست منابع و مآخذ

- شومین، ژرار و دیگران، قرارداد اجتماعی روسو: متن و در زمینه متن، ترجمه مرتضی کلانتریان، نشر آگه، ۱۳۸۰
- شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق شهروندی، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۶
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۹۲
- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری، شهر دانش، تهران، ۱۳۹۵
- رفیعی، احمد، حقوق کار، فکرسازان، تهران، ۱۳۹۵
- صفایی، حسین، مختصر حقوق خانواده، میزان، تهران، ۱۳۹۰
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، میزان، تهران، ۱۳۹۵
- قربان‌نیا، ناصر و همکاران، بازپژوهی حقوق زن، روز نو، تهران، ۱۳۸۶
- مطهری، مرتضی، عدل الهی، صدرا، تهران، ۱۳۹۳
- مهر پور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات، تهران، ۱۳۹۵
- مهر پور، حسین، مباحثی از حقوق زن، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۶
- نیکفر، محمدرضا، خشونت، حقوق بشر، جامعه مدنی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸
- وکیل، امیر ساعد و پوریا عسکری، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، مجد، تهران، ۱۳۹۶
- مقاله
- پروین، فرهاد. حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۷۲، ۱۳۸۷
- شفیعی، محمود، حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی، پژوهش در فقه، حقوق و علوم انسانی، ۱۳۹۶

___ Roger S. Clark, "How International Human Rights Law Affects Domestic Law", in: Human Rights: New Perspectives, New Realities, Adamantina Pollis (eds.) . (London: Lynne Rienner Publishers, 2000

